



فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری

صفحه‌ی اصلی وب سایت مجله:

www.jqe.scu.ac.ir

شاپا الکترونیکی: ۴۲۷۱-۲۷۱۷

شاپا چاپی: ۵۸۵۰-۲۰۰۸



دانشگاه شهیدپرسان اَبَواز

بررسی تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان: رویکرد سیستم معادلات همزمان

سیامک شکوهی فرد*، رویا آل‌عمران^۱**، نادر مهرگان***، فرزاد رحیم‌زاده****

* دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده‌ی مسئول)

*** استاد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

**** استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد و حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

اطلاعات مقاله	طبقه‌بندی JEL: D73, J21, C21
تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۳۹۸	واژگان کلیدی:
تاریخ بازنگری: ۲۰ دی ۱۳۹۹	نرخ مشارکت نیروی کار زنان، فساد، سیستم معادلات همزمان، ایران
تاریخ پذیرش: ۲۶ آذر ۱۳۹۹	آدرس پستی:
ارتباط با نویسنده (گان) مسئول:	ایران، تبریز، ضلع شرقی اتوبان پاسداران، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، گروه اقتصاد.
ایمیل: alemran@iaut.ac.ir	
0000-0001-9796-5340 ^{ID}	

اطلاعات تکمیلی:

این مقاله از رساله دکتری آقای سیامک شکوهی فرد در رشته اقتصاد به راهنمایی رویا آل‌عمران و نادر مهرگان و مشاوره فرزاد رحیم‌زاده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز است.

قدردانی: از تمامی افراد و موسساتی که در انجام این تحقیق مولفان را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: نویسندگان مقاله اعلام می‌کنند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منفعی وجود ندارد.

منابع مالی: نویسندگان هیچگونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

چکیده

زنان به‌عنوان بخش عمده‌ای از جمعیت کشور نقش تاثیرگذاری در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند. یکی از شاخص‌های حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی، نرخ مشارکت اقتصادی آن‌هاست که تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فردی و فرهنگی قرار دارد. همچنین یکی دیگر از متغیرهای مهم تاثیرگذار بر نرخ مشارکت زنان، پدیده فساد می‌باشد. از این‌رو، در این مطالعه با استفاده از سیستم معادلات همزمان، تاثیر شاخص فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۵ مطالعه شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهند که اولاً رابطه علی دوطرفه بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و متغیر فساد وجود دارد. ثانیاً در سطح معناداری ۵ درصد، بالا بودن سطح فساد و نرخ بیکاری تاثیر منفی و معنادار بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب داشته است. متغیرهای نرخ باسوادی زنان و رشد اقتصادی نیز تاثیر مثبت و معنادار بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارند. همچنین نرخ باروری زنان و نسبت شهرنشینی به‌ترتیب تاثیر منفی و مثبت بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب داشته اما تاثیر نسبت شهرنشینی در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

ارجاع به مقاله:

شکوهی فرد، سیامک، آل‌عمران، رویا، مهرگان، نادر و رحیم‌زاده، فرزاد. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان: رویکرد سیستم معادلات همزمان. فصلنامه‌ی اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، ۱۹ (۲)، ۱۸۵-۱۵۱.

 [10.22055/JQE.2020.32884.2228](https://doi.org/10.22055/JQE.2020.32884.2228)



© 2022 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

۱- مقدمه

زنان همانند مردان می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت داشته باشند. مشارکت نیروی کار زنان برای تقویت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی یک کشور مهم می‌باشد زیرا باعث افزایش سطح کارآیی در اقتصاد شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. به‌طور کلی، نرخ مشارکت اقتصادی بالای زنان نشانگر دو مطلب می‌باشد که عبارتند از: الف) پیشرفت زنان در موقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی. ب) توانمندسازی زنان. این موارد باعث افزایش عدالت و افزایش استفاده از پتانسیل‌های انسانی جامعه می‌گردند که می‌توانند در ایجاد ظرفیت بالاتر برای رشد اقتصادی و همچنین کاهش فقر کمک نمایند (Fatima & Sultana, 2009; Mujahid, 2014). با وجود این، حضور زنان در بازار کار برحسب اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور متفاوت بوده و به عوامل گوناگونی از جمله سطح تحصیلات زنان، سیاست‌های دولت در جهت تقویت سطح آموزش و اشتغال زنان، توزیع درآمد و هزینه خانوار، نرخ بیکاری، نرخ باروری، شرایط محیطی خانواده و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد. برای نمونه در کشورهای توسعه یافته سهم زنان در اشتغال و کسب و کارهای پیشرفته افزایش چشمگیری یافته، اما در کشورهای در حال توسعه نقش زنان در بخش کشاورزی، کارهای خانگی بدون دستمزد و فعالیت‌های غیررسمی پررنگ می‌باشد (Komaee & Afshari, 2017).

بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان بین‌المللی کار^۱ (ILO)، به‌طور کلی در دو دهه گذشته نرخ مشارکت اقتصادی روند کاهشی داشته است. در دنیا نرخ مشارکت اقتصادی مردان از ۷۹/۹ درصد در سال ۱۹۹۵ با ۳/۸ درصد کاهش به ۷۶/۱ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است. از سوی دیگر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۲۰۱۵، ۴۹/۶ درصد می‌باشد که نسبت به سال ۱۹۹۵ حدود ۲/۸ درصد کاهش داشته است. این ارقام بیانگر این می‌باشند که شکاف جنسیتی موجود میان نرخ مشارکتی اقتصادی زنان و مردان برابر با ۲۶/۵- می‌باشد. بر اساس این گزارش، در کل فاصله جنسیتی میان مشارکت اقتصادی زنان و مردان طی دهه‌های اخیر کاهش یافته اما با توجه به ارقام موجود به نظر می‌رسد که این کاهش بیشتر به دلیل کاهش مشارکت نیروی کار مردان در سراسر جهان بوده و ناشی از

¹ International Labour Organisation .

افزایش در میزان مشارکت نیروی کار زنان نمی‌باشد International Labour Office, (2016).

همچنین براساس گزارش بانک جهانی^۲، در سال ۲۰۱۹، زنان حدود ۴۹/۵۸۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، در صورتی که فقط ۳۸/۸۵۱ درصد از نیروی کار جهان به زنان اختصاص می‌یابد (World Bank, 2019).

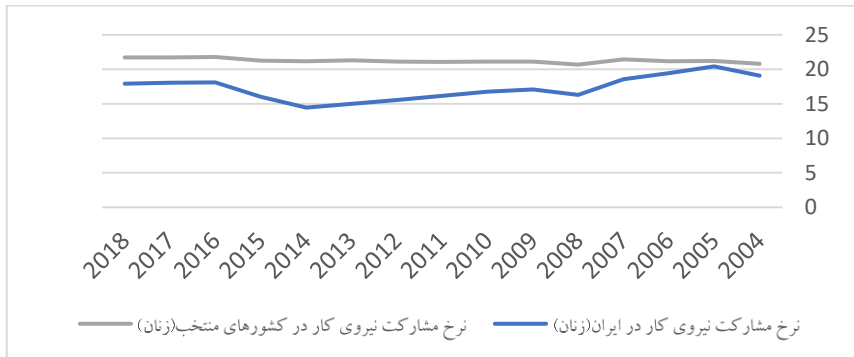
بررسی روند نرخ مشارکت زنان در ایران و کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی^۳ (OIC) نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۴، نرخ مشارکت زنان در ایران و در مقایسه با کشورهای منتخب همواره پایین بوده و یک روند کاهشی دارد. لازم به ذکر است این اختلاف در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۸ بیشتر شده و سپس کاهش یافته است (نمودار ۱). همچنین نسبت نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان در ایران نشان می‌دهد که این نسبت در دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۶ تقریباً بین ۲۰ تا ۲۵ درصد متغیر بوده و در سال ۲۰۲۰ به ۲۴/۴ درصد رسیده است. (نمودار ۲).^۴

² World Bank.

³ این کشورها عبارتند از: پاکستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه، مصر، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، اردن، قطر، مراکش و عراق.

⁴ داده‌ها و اطلاعات مربوطه از آدرس اینترنتی زیر استخراج شده‌اند:

<https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=world-development-indicators#>.

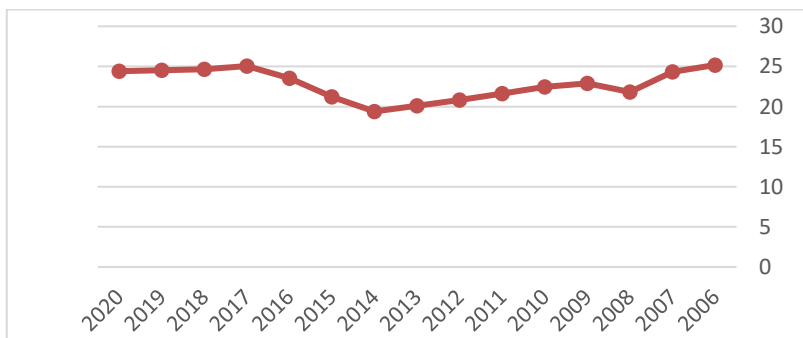


نمودار ۱. نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب

مأخذ: پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی، ۲۰۱۹

Figure 1. Female Labor Force Participation Rates in Iran and Selected Countries

Source: World Bank, 2019



نمودار ۲. نسبت نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان در ایران

مأخذ: پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی، ۲۰۲۰

Figure 2. Ratio of female to male labor force participation rate in Iran

Source: World Bank, 2020

با عنایت به مطالب بیان شده می‌توان گفت که توجه به وضعیت اشتغال زنان و مشارکت دادن بیشتر آنان در بازار کار می‌تواند زمینه بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی بالقوه و دستیابی به توسعه را فراهم آورد. در متون علمی بازار کار، عوامل متعددی بیان شده‌اند که بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان تأثیرگذار می‌باشند که به‌طور کلی عبارتند از: الف)

مشخصات فردی مانند سن، جنس، سطح آموزش، درآمدهای کاری. ب) مشخصات خانوادگی مانند درآمد سایر اعضای خانواده، سطح تحصیلات آن‌ها، وضعیت تاهل، اشتغال و بعد خانوار (Moshiri, Tae & Pashazadeh, 2015).

علاوه بر این موارد، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان تاثیرگذار باشد، پدیده فساد^۵ می‌باشد. فساد از طریق تشویق فعالیت‌ها در اقتصاد پنهان^۶ (اقتصاد زیرزمینی)، کاهش بهره‌وری بخش خصوصی و افزایش بار مالیاتی از طریق تغییر مبادله بین پس‌انداز- مصرف، منجر به کاهش عرضه و مشارکت نیروی کار می‌گردد (Cooray & Dzhumashev, 2018). فساد از موانع اصلی رشد اقتصادی، کاهش مشروعیت دولت و بی‌ثباتی کشورها در طول زمان است (Khodapanah, 2015). به جهت اهمیت پدیده فساد در دنیا، تاکنون چندین شاخص برای اندازه‌گیری آن ارائه شده است. شاخص ادراک فساد^۷ (CPI) یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که توسط سازمان بین‌المللی شفافیت^۸ ارائه شده و به اندازه‌گیری فساد و مقایسه آن‌ها در کشورهای مختلف می‌پردازد. در تازه‌ترین گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت از شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۱۸، ایران در میان ۱۸۰ کشور موجود در این شاخص در رتبه ۱۳۸ قرار گرفته است. در این رتبه‌بندی، جمهوری اسلامی ایران مانند سال‌های گذشته نمره‌ای پایین‌تر از حد متوسط کسب کرده است و با نمره ۳۰ در رتبه‌ای بسیار نازل در سطح منطقه و جهان قرار گرفته است. همان‌طور که عنوان شد به لحاظ رتبه و نمره منطقه‌ای ایران به هیچ‌عنوان وضعیت قابل‌قبولی نداشته است. به طوری که در میان کشورهای منطقه تنها کشورهایی چون عراق، لیبی، یمن و سوریه نمره‌ای پایین‌تر از ایران کسب کرده‌اند. کشورهای امارات متحده عربی و قطر بهترین نمره و رتبه را در میان کشورهای این منطقه دارا می‌باشند (Transparency International, 2018).

ساختار پژوهش حاضر نیز بدین صورت است که ابتدا مبانی نظری مربوط به موضوع پژوهش ارائه شده و به دنبال آن مطالعات تجربی انجام شده در رابطه با موضوع تحقیق

⁵ Corruption.

⁶ Shadow Economy.

⁷ Corruption Perceptions Index.

⁸ Transparency International.

بیان می‌گردند. در ادامه، مدل تحقیق و متغیرهای آن معرفی شده و سپس نتایج برآورد مدل ارائه و تحلیل می‌گردند. در پایان نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق بیان می‌شوند.

۲- ادبیات موضوع

چارچوب نظری در مورد مشارکت اقتصادی نیروی کار زنان اساساً بیانگر تصمیمات زنان برای مشارکت یا عدم مشارکت فعال در بازار کار است. اقتصاددانان سعی کرده‌اند با تجزیه و تحلیل تأثیر برخی عوامل اقتصادی و جمعیت شناختی، تمایل زنان برای مشارکت یا عدم مشارکت در بازار کار را توضیح دهند. تئوری‌های اصلی که عرضه نیروی کار زنان را مطالعه کرده‌اند، در دهه ۱۹۶۰ ارائه شده است. این تئوری‌ها شامل "نظریه انتخاب فراغت- کار"^۹ مینسر^{۱۰}، "تئوری تولید خانواده"^{۱۱} مینسر و بکر^{۱۲} و "نظریه سرمایه انسانی"^{۱۳} شولتز و بکر^{۱۴} می‌باشند. ساده‌ترین تحلیل انتخاب زنان درباره مشارکت در بازار کار به اوایل دهه ۱۹۶۰ و مدل اقتصاد خردی نئوکلاسیک مینسر^{۱۵} (۱۹۶۲) برمی‌گردد که به مدل انتخاب فراغت- کار معروف است. در این مدل فرض می‌شود خانوارها تأمین‌کننده نیروی کار در اقتصاد بوده، عقلایی عمل کرده و به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت خود می‌باشند (Mincer, 1962). ساخاراپولوس و تزاناتوس^{۱۶} (۱۹۸۹) در ادامه و براساس تئوری انتخاب بین فراغت و کار مینسر نشان دادند که هرچه نرخ دستمزد بالاتر باشد، جذابیت فراغت کمتر شده و جذابیت کار بیشتر می‌گردد (Psacharopoulos & Tzannatos, 1989). به دنبال نظریه انتخاب فراغت- کار مینسر، تئوری تولید خانوار براساس تحقیقات مینسر و بکر در مورد سرمایه انسانی شکل گرفت. تئوری تولید خانوار صرفاً مطالعه تولید، مصرف و تخصیص زمان خانوار می‌باشد. در این تئوری آمده است که خانواده‌ها هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده کالا

⁹ Mincer

¹⁰ Work- Leisure Choice Theory

¹¹ Household Production Theory

¹² Mincer and Becker

¹³ Human Capital Theory

¹⁴ Schultz and Becker

¹⁵ Mincer

¹⁶ Psacharopoulos and Tzannatos

می‌باشند. بنابراین برای حداکثرسازی مطلوبیت، خانواده‌ها تلاش می‌کنند نه تنها زمان، بلکه درآمد، کالاها و خدماتی که مصرف و تولید می‌کنند را، به صورت کارا تخصیص دهند. این تئوری تولید خانوار را به صورت تولید کالاها و خدمات توسط اعضای خانواده تعریف می‌کند که با استفاده از سرمایه و نیروی کار خانوار، تولید شده و همگی برای مصرف خود خانوار می‌باشند (Ehrenbergand & Smith, 2012).

بعد از نظریه تولید خانوار، تئوری سرمایه انسانی شکل گرفت. طبق گفته بکر^{۱۷} (۱۹۷۵) سرمایه انسانی به عنوان سرمایه‌گذاری‌های مولد که در افراد تبلور می‌یابد، تعریف می‌گردد. این تئوری بیشتر نشان می‌دهد که افراد تحصیل کرده، تمایل بیشتری برای مشارکت در بازار کار دارند تا بتوانند از رابطه مثبت بین تحصیلات و نرخ دستمزد استفاده کنند. در ادامه از تئوری سرمایه انسانی برای تجزیه و تحلیل رابطه بین مشارکت نیروی کار و آموزش به‌ویژه برای زنان متاهل استفاده شده است. اقتصاددانان استدلال می‌کنند که این رابطه ممکن است نسبت به مقوله تحصیلات U شکل باشد. بدین صورت که میزان مشارکت برای زنان بی‌سواد بالا، برای زنان در مقطع ابتدایی و متوسطه پایین و برای فارغ التحصیلان دانشگاه نیز دوباره بالا باشد. رابطه مثبت بین تحصیلات و میزان دستمزد می‌تواند وجود چنین رابطه U شکلی را توضیح دهد (Schultz, 1961).

عوامل دیگری نیز بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در اقتصاد تاثیرگذار هستند که عبارتند از:

- سطح توسعه اقتصادی

اگرچه مشارکت نیروی کار زنان همگام با توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، اما این رابطه برای هر کشور متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر، مقایسه‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای کم درآمد و در کشورهای بسیار توسعه یافته بالا بوده و در کشورهای با درآمد متوسط نسبتاً کم است و یک رابطه U شکل بین درآمد ملی (تولید ناخالص داخلی) و مشارکت نیروی کار زنان ایجاد می‌گردد (Sinha, 1967). به عنوان نمونه فاطیما و سلطانا^{۱۸} (۲۰۰۹) با بررسی شواهد بین‌المللی از کشورهای مختلف توانستند یک

¹⁷ Becker

¹⁸ Fatima & Sultana

رابطه U شکل بین میزان مشارکت زنان و توسعه اقتصادی را در کشور پاکستان تأیید کنند (Fatima & Sultana, 2009).

- سطح تحصیلات

براساس تئوری‌های ارائه شده، آموزش نقش اساسی در شکل‌گیری ارتباط U شکل بین رشد اقتصادی و میزان مشارکت زنان دارد. دستاوردهای آموزشی زنان باعث می‌گردد تا انگیزه زنان برای مشارکت در بازار کار افزایش یابد (Tsani, Paroussos, Fragiadakis, Charalambidis & Capros, 2013). بنابراین از دیدگاه سیاست‌گذاران اقتصادی، آموزش زنان به‌عنوان یک استراتژی اصلی برای توسعه بلندمدت در نظر گرفته می‌شود (Lincove, 2008).

مطالعات مربوط به مشارکت نیروی کار زنان نشان می‌دهند که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت زنان آموزش می‌باشد. به عنوان نمونه برنکه¹⁹ (۲۰۱۴) سهم روزافزون زنان در بازار کار آلمان را ناشی از سطح تحصیلات عالی زنان می‌داند که باعث شده آن‌ها برای ورود در بازار کار واجد شرایطتر باشند (Brenke, 2014).

- سایر متغیرهای جمعیت شناختی

ساختار پولوس و تزاناتوس (۱۹۸۹) براساس شواهد بین‌المللی برای کشورهای مختلف، دریافتند که جدا از آموزش و بدون در نظر گرفتن کشور تحت بررسی، عواملی همچون سن، نرخ باروری و مذهب بر مشارکت اقتصادی زنان تأثیرگذار می‌باشند (Psacharopoulos & Tzannatos, 1989). همچنین بانک جهانی نشان داد که مشارکت اقتصادی زنان در ترکیه چندبعدی است و تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. این عوامل شامل مسئولیت در خانه، مراقبت از کودکان و سالخوردگان، نرخ شهرنشینی و وضعیت تاهل می‌باشند (World Bank, 2010). علاوه بر این، فریدی و همکاران^{۲۰} (۲۰۰۹) نتیجه گرفتند که وضعیت تحصیلی خویشاوندان نزدیک، دارایی‌های خانواده، مشارکت همسر در فعالیت‌های اقتصادی، تعداد فرزندان، سن فرزندان و حقوق و دستمزد شوهر در

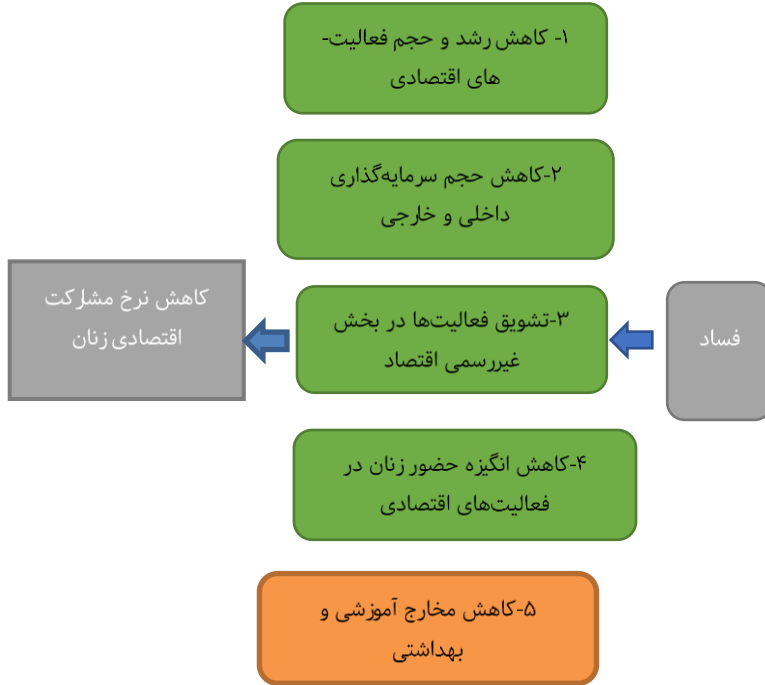
¹⁹ Brenke

²⁰ Faridi et al.

تصمیم‌گیری زنان درباره شرکت یا عدم مشارکت در بازار کار تأثیرگذار می‌باشند (Faridi et al, 2009). همچنین خادم و اکرم^{۲۱} (۲۰۱۳) در مطالعه خود برای کشور پاکستان در حالت کلی، سه دسته از عوامل مؤثر برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را ذکر کردند که عبارتند از: عوامل فردی و جمعیت شناختی (سن، تحصیلات و وضعیت تأهل)، عوامل مرتبط با وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانوار (درآمد سرانه خانواده، تعداد افراد وابسته و نوع خانوار) و عوامل مربوط به موقعیت جغرافیایی خانوار (سکونت در منطقه شهری و روستایی) (Khadim & Akram, 2013).

علاوه بر این متغیرها، فساد نیز می‌تواند بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، فساد مهم‌ترین متغیری است که در این پژوهش، تاثیر آن بر نرخ مشارکت زنان، به‌عنوان نوآوری تحقیق، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در کل می‌توان، مبنای نظری تاثیر فساد بر نرخ مشارکت اقتصادی را به شرح زیر ارائه نمود.

²¹ Khadim & Akram



نمودار ۳. کانال‌های اثرگذاری فساد بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان
مأخذ: یافته‌های تحقیق

Figure 3. Channels of the Impact of Corruption on Female Labor Force Participation Rates
Source: Research Findings

در ادبیات مربوط به فساد، دو رویکرد مخالف در مورد تأثیر فساد وجود دارد: (۱) تقویت کارایی. (۲) کاهش کارایی. طرفداران رویکرد افزایش بهره‌وری، مانند لف^{۲۲} (۱۹۶۴)، نی^{۲۳} (۱۹۶۷)، هانتینگتون^{۲۴} (۱۹۶۸) و فردریش^{۲۵} (۱۹۷۲) استدلال می‌کنند که فساد چرخ‌های تجارت را چرب می‌کند و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کند. بنابراین، فساد باعث افزایش کارایی در یک اقتصاد می‌شود. طرفداران رویکرد کاهش کارایی، مانند مک

²² Leff

²³ Nye

²⁴ Huntington

²⁵ Friedrich

مولان^{۲۶} (۱۹۶۱)، میردال^{۲۷} (۱۹۶۸)، کروگر^{۲۸} (۱۹۷۴)، شلیفر و ویشن^{۲۹} (۱۹۹۳)، مائورو^{۳۰} (۱۹۹۵) و تانزی و داوودی^{۳۱} (۲۰۰۰) ادعا می‌کنند که فساد چرخ‌های تجارت را کند می‌کند. در نتیجه، مانع از رشد اقتصادی می‌شود و تخصیص منابع را منحرف می‌کند. در نتیجه فساد تأثیر مخربی بر کارآیی دارد (Akca, 2006).

اکنون دیگر با بی‌اعتبار شدن مکتب کارآمدی فساد در حوزه نظریه پردازی، می‌توان شواهد فراوانی را دال بر آثار مخرب فساد بر رشد و توسعه اقتصادی یافت. تحقیقات نشان می‌دهند سطوح بالای فساد، نرخ رشد را که یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی به شمار می‌رود، کاهش می‌دهد (Heidari, Alinazhad, Mohseni Zonozi & Jahangirzadeh, 2014) از این رو، می‌توان انتظار داشت که فساد با کاهش رشد و سطح فعالیت‌های اقتصادی بر نرخ مشارکت زنان تاثیر منفی داشته باشد (کانال اول).

همچنین مطالعات تجربی صورت گرفته برای کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهند که فساد هزینه‌های تولید و ناطمینانی را افزایش می‌دهد، لذا موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه بر اثر منفی بر سرمایه‌گذاری داخلی، بر سرمایه‌گذاری خارجی نیز اثری نامطلوب می‌گذارد (Amarandei, 2013). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که فساد با کاهش سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بر نرخ مشارکت زنان تاثیرگذار باشد (کانال دوم).

علاوه بر این، فساد از طریق تشویق فعالیت‌ها در بخش غیررسمی اقتصاد منجر به کاهش عرضه و مشارکت نیروی کار در بخش رسمی اقتصاد می‌گردد (Cooray & Dzhumashev, 2018). که این موضوع نیز بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان تاثیرگذار می‌باشد. به عبارت دیگر، سطح مشارکت اقتصادی زنان در بخش رسمی اقتصاد در صورت وجود فساد و یا عدم وجود آن از هم متفاوت می‌باشد. (کانال سوم).

²⁶ McMullan

²⁷ Shleifer and Vishny

²⁸ Krueger

²⁹ Myrdal

³⁰ Mauro

³¹ Tanzi and Davoodi

به طور کلی فساد در تمام سطوح قدرت اعم از جهانی، ملی، استانی و محلی رخ داده و ممکن است خواسته و یا ناخواسته توسط هرعاملی نظیر افراد، صاحبان کسب و کارها، مقامات دولتی، سیاستمداران، بازیگران دولتی و یا غیردولتی صورت پذیرد (Seifzadeh, 2016). امروزه تقریباً در همه جای دنیا مسأله فساد در شکل‌های مختلف آن به چشم می‌خورد. گزارش‌های سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی حاکی از آن است که هیچ کشوری در دنیا عاری از فساد مالی نیست و در تمامی جوامع چه دموکراتیک و چه اقتدارگرا نوعی فساد مشاهده شده است (Shaghghi Shahri, 2016). از این رو یکی از دلایل عمده‌ای که زنان کمتر از مردان وارد بازار کار و سیاست شده‌اند که در نتیجه باعث کاهش نرخ مشارکت اقتصادی آن‌ها می‌شود، این موضوع می‌باشد که آنان با شبکه‌های فساد و نحوه انجام آن آشنایی کامل ندارند. در نتیجه کمتر وارد گروه‌ها و شبکه‌های فساد مالی و اداری موجود می‌شوند (Rivas, 2013). همچنین با توجه به اینکه فساد مالی یک پدیده مخاطره‌آمیز می‌باشد و انجام آن نیازمند پذیرش ریسک است، لذا در این حوزه افرادی ورود پیدا می‌کنند که از ویژگی ریسک‌پذیری بالا برخوردار باشند. طبق نتایج به دست آمده از مطالعات تجربی گروه زنان نسبت به مردان از توان ریسک‌پذیری کمتری برخوردارند (Dollar, 2001). بنابراین از آن‌جا که فعالیت‌های فاسد و نادرست موجود همواره با خطر برملا شدن و مجازات روبرو است، زنان، کمتر به انجام فعالیت‌های رانت جویانه ترغیب می‌شوند و در نتیجه با توجه به این موضوع که، فساد در اکثر کشورهای جهان به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، نتیجتاً این موضوع (فساد موجود) موجب کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان در مقایسه با مردان می‌شود (Rivas, 2013) (کانال چهارم).

فساد، درآمد و رشد اقتصادی در کشور را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند مخارج دولت در بخش آموزش و بهداشت را منحرف کرده و باعث تخصیص غیر بهینه منابع در این بخش‌ها گردد (Karimi Petanlar, Babazadeh & Hamidi, 2012). مطالعات مختلف تجربی نشان می‌دهند که فساد بر منابع هزینه شده برای آموزش و بهداشت تأثیر می‌گذارد. مائورو^{۳۲} (۱۹۹۸) دریافت که فساد باعث کاهش هزینه‌های دولت برای آموزش و بهداشت می‌شود. مائورو ادعا می‌کند که مقامات دولتی نمی‌خواهند بیشتر برای آموزش و بهداشت هزینه کنند. زیرا این برنامه‌ها، فرصت رانت‌جویی کمتری دارند. به‌همین ترتیب، گوپتا و

³² Mauro

همکاران^{۳۳} (۱۹۹۸) نشان دادند که فساد سطح هزینه‌های اجتماعی را کاهش داده، نابرابری در آموزش را تقویت کرده، تحصیلات متوسطه را پایین آورده و باعث توزیع نابرابر زمین می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها دریافتند که فساد نابرابری درآمدی را افزایش می‌دهد. گوپتا و همکاران (۲۰۰۰) استدلال می‌کنند که فساد از دو طریق خدمات بهداشتی و درمانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: ۱- فساد ممکن است هزینه این خدمات را افزایش دهد. ۲- فساد ممکن است کیفیت این خدمات را کاهش دهد. تجزیه و تحلیل تجربی گوپتا و همکاران (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که فساد میزان مرگ و میر کودکان و نوزادان، درصد تولد نوزادان با کمبود وزن و میزان ترک تحصیل در دوره ابتدایی را افزایش می‌دهد. همچنین کرای و همکاران^{۳۴} (۱۹۹۹) دریافتند که فساد باعث کاهش امید به زندگی و سواد و افزایش مرگ و میر نوزادان می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که فساد با کاهش مخارج بهداشتی و آموزشی می‌تواند تأثیری منفی بر سطح آموزش و بهداشت زنان داشته و در نتیجه از این طریق بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان تاثیرگذار باشد (Akçay, 2006) (کانال پنجم).

۳- پیشینه تحقیق

می‌توان منتخبی از مطالعات انجام شده در جهان و ایران، در زمینه موضوع مورد مطالعه به شرح زیر خلاصه نمود. البته در حیطه جست و جوی محقق، مطالعه‌ای که مستقیماً تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان را مطالعه کند، انجام نشده است. تنها مطالعات نزدیک به موضوع تحقیق، پژوهش‌های جعفری صمیمی و همکاران (۲۰۱۳) و کریمی و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد که در بخش مطالعات داخلی ارائه شده‌اند.

۳-۱- مطالعات خارجی

ریواس (۲۰۱۳) در پژوهشی میدانی در دانشگاه آتونوماي بارسلون تلاش کرده است تا با قرار دادن زنان و مردان در شرایط مشابه و ثابت نگه داشتن سایر شرایط این فرضیه که زنان در موقعیت و سطح برابر با مردان، کمتر مرتکب فساد می‌شوند را مورد بررسی قرار دهد. نتایج به دست آمده از روش تئوری بازی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط مشابه ۶۵ درصد

³³ Gupta et al.

³⁴ Croy et al.

زنان به کارکنان ادارات پیشنهاد رشوه می‌دهند، درحالی‌که این نسبت در مردان ۸۰ درصد است. در نهایت ریواس تأکید می‌کند که زنان کمتر از مردان مرتکب فساد می‌شوند و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های گوناگون می‌تواند به صورت یک سیاست ضد فساد عمل نماید (Rivas, 2013).

آگربرگ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای از طریق جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه‌ای، رابطه بین جنسیت و سطح فساد را بررسی کرده است. بدین منظور اطلاعات ۸۵۰۰ پرسشنامه از ۲۰۰ منطقه مختلف در اتحادیه اروپا جمع‌آوری و تحلیل شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که به طور کلی زنان، فساد اداری را ناپسند تلقی کرده، همچنین رشوه کمتری پرداخت نموده و در مقایسه با مردان تحمل کمتری نسبت به رفتارهای فسادزا دارا می‌باشند (Agerberg, 2014).

برین و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به دنبال یافتن پاسخ به این سوال هستند که آیا زنان در بازار کار کمتر مرتکب به فساد می‌شوند. آن‌ها به منظور یافتن پاسخ به این سوال از داده‌های آماری ۱۰۵ کشور استفاده نمودند. نتایج حاصل از روش داده‌های تابلویی حکایت از این دارد که زنان در بازار کار رشوه کمتری پرداخت می‌کنند و رابطه منفی بین مشارکت زنان در بازار کار و فساد وجود دارد. همچنین زنان هنگامی که در سطوح بالای مدیریتی حضور دارند کمتر در معرض انجام فساد قرار می‌گیرند (Breen, Gillanders, McNulty & Suzuki, 2015).

کورای و دژیماشف (۲۰۱۸) در پژوهشی رابطه بین فساد و عرضه نیروی کار را برای ۱۳۲ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ و با استفاده از روش پانل دیتا مورد مطالعه قرار داده‌اند. مولفان نتیجه گرفته‌اند که فساد تاثیر منفی و معناداری بر عرضه نیروی کار دارا می‌باشد. همچنین مولفان نتیجه گرفته‌اند که افزایش سطح دستمزد، سطح مصرف و کیفیت قوانین، تاثیر منفی فساد بر عرضه نیروی کار را کاهش می‌دهد (Cooray & Dzhumashev, 2018).

جا و سرنگی (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای تاثیر مشارکت نیروی کار زنان و همچنین حضور زنان در مجلس (پارلمان) بر سطح فساد را در ۱۷ کشور اروپایی مورد مطالعه قرار داده‌اند. آن‌ها بدین منظور از روش متغیرهای ابزاری استفاده کرده و نشان داده‌اند که حضور زنان در مجلس تأثیر علی و منفی بر سطح فساد دارا می‌باشد در حالی که مشارکت زنان در سایر فعالیت‌های اقتصادی تاثیری بر سطح فساد دارا نمی‌باشد (Jha & Sarangi, 2018).

دبسکی و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با موضوع جنسیت و فساد، رابطه بین نرخ مشارکت زنان در بازار کار و سطح فساد را برای ۱۷۷ کشور طی دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۴ مطالعه نموده‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که با در نظر گرفتن ناهمگنی خاص هر کشور (از طریق اثرات ثابت)، ارتباطی منفی بین میزان مشارکت زنان در بازار کار و سطح فساد وجود ندارد. اما اگر ابعاد خاص فرهنگی هر کشور در مدل مربوطه لحاظ گردد، می‌توان نشان داد که فساد و میزان مشارکت زنان به طور سیستماتیک با هم دارای ارتباط می‌باشند (Debski, Jetter & Mosle, 2018).

لیم (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای، یک مدل رشد درون‌زا با فرض نیروی کار ناهمگن، بیکاری درون‌زا و فساد در بخش دولتی را لحاظ نموده است. در این مطالعه، پویایی فساد و بیکاری درون‌زا با استفاده از تجربیات سیاست‌گذاری عددی^{۳۵} در اقتصاد کشورهای آفریقایی با درآمد متوسط و با سطح بالای فساد و بیکاری، مطالعه شده است. یافته اصلی تحقیق نشانگر این موضوع می‌باشد که اگر سیاست‌های اجتماعی و ضد فساد که با موفقیت تغییرات ساختاری را ایجاد کرده‌اند، در الویت قرار داده شوند، در افزایش رشد اقتصادی موثر خواهند بود (Lim, 2019).

۳-۲- مطالعات داخلی

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای اثرات مشارکت زنان در بازار کار بر فساد را در کشورهای منتخب اسلامی مطالعه کرده‌اند. برای این منظور از روش پانل دیتا و از اطلاعات آماری سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ و برای ۲۷ کشور منتخب اسلامی استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهند که با افزایش میزان مشارکت زنان در بازار کار، فساد در کشورهای منتخب کاهش یافته است (Jafari Samimi, Monfared & Hoseni, 2013).

کریمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تأثیر اشتغال زنان در بخش عمومی بر فساد را مطالعه کردند. برای این منظور با استفاده از داده‌های آماری ۴۵ کشور منتخب شامل ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ تأثیر سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی هم‌زمان با دیگر متغیرهای تأثیرگذار از جمله حاکمیت قانون، درجه باز بودن و تولید

³⁵ Numerical Policy Experiments.

ناخالص داخلی سرانه بر متغیر وابسته فساد مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج حاصل از برآورد الگو به روش اقتصادسنجی داده‌های تابلویی منعکس می‌کند که در پی افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در کل اشتغال بخش عمومی، فساد مالی کاهش می‌یابد. بنابراین به عنوان یک راهکار برای مقابله و کنترل فساد افزایش سهم نسبی اشتغال زنان در بخش عمومی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. همچنین نتایج نشان می‌دهند که تأثیر درجه باز بودن اقتصاد بر شاخص فساد مالی منفی و تأثیر تولید ناخالص داخلی سرانه و حاکمیت قانون بر آن مثبت و معنی‌دار است و کاهش فساد را در پی دارد (Karimi, Gilak Hakim & Nabati, 2018).

همچنین پژوهش‌های متعددی وجود دارند که عوامل مختلف اثرگذار بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان را بررسی نموده‌اند که برخی از این مطالعات به صورت خلاصه در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مطالعات تجربی انجام شده در مورد عوامل موثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان
مأخذ: یافته‌های تحقیق

Table 1. Empirical Studies about Effective Factors of Female Labor Force Participation Rate

Source: Research Findings

نتایج	مدل پژوهش	موضوع	محقق
- عواملی مانند ازدواج و محل زندگی (شهر یا روستا) تأثیر مثبت بر مشارکت اقتصادی زنان دارند. - سایر متغیرها از جمله حضور پسر در خانواده و سرپرست خانواده بودن زنان، تأثیر منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بخش رسمی اقتصاد دارند.	مدل رگرسیونی لجستیک ^{۳۶}	تأثیر عوامل موثر بر تصمیم زنان برای مشارکت در بازار کار پاکستان	خادم و اکرم (۲۰۱۳) (Khadim & Akram 2013)

³⁶ Logistics

<p>- آموزش برای زنان اصلی‌ترین سیاست موجود برای مشارکت بیشتر زنان در بازار کار می‌باشد.</p>			
<p>- درآمد و آموزش تاثیر مثبت و متاهل بودن و فرزند دار شدن تاثیر منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان دارند.</p>	<p>مدل رگرسیونی لوجیت دو جمله‌ای</p>	<p>عوامل موثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ترکیه</p>	<p>وارول (۲۰۱۷) (Varol, 2017)</p>
<p>- بیکاری همسر و همچنین افزایش سن تاثیر مثبت و داشتن فرزند با سن کمتر از ۵ سال و همچنین مسلمان بودن تاثیر منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان دارند.</p>	<p>مدل رگرسیونی لوجیت</p>	<p>عوامل تاثیرگذار بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کامرون، طی دوره (۲۰۱۱-۱۹۹۱)</p>	<p>چه و سانجو (۲۰۱۸) (Che & Sundjo, 2018)</p>
<p>- نرخ مشارکت زنان به‌ویژه زنان متاهل و دارای فرزند دارای روند ضد سیکلی می‌باشد.</p>	<p>روش پانل دیتا</p>	<p>تاثیر چرخه‌های اقتصادی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در آمریکای لاتین، طی دوره (۲۰۱۴-۱۹۸۷)</p>	<p>سرانو و همکاران (۲۰۱۹) (Serrano, Gasparini, Marchionni & Glüzmann, 2019)</p>
<p>- سیاست‌های مراقبت از کودک و افزایش بهره‌وری زنان تاثیر مثبت بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه دارد.</p>	<p>روش پانل دیتا</p>	<p>رابطه بین نرخ مشارکت اقتصادی زنان و رشد اقتصادی در کشورهای پرو، مکزیک، کلمبیا، شیلی و آرژانتین، طی دوره (۲۰۱۷-۲۰۰۵)</p>	<p>باستلو و همکاران (۲۰۱۹) (Bustelo, Flabbi, Piras & Tejada, 2019)</p>
<p>- رابطه بین تحصیلات زنان و مشارکت اقتصادی آنان در برزیل و آفریقای جنوبی، مثبت و خطی، در هند، اردن و اندونزی U شکل و در بولیوی، ویتنام و تانزانیا ترکیبی از دو حالت قبلی می‌باشد.</p>	<p>روش پانل دیتا</p>	<p>عوامل موثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ۸ کشور در حال توسعه (بولیوی، برزیل، هند، اندونزی، اردن، آفریقای جنوبی، تانزانیا و ویتنام) طی دوره، (۲۰۱۸-۲۰۰۰)</p>	<p>کلاس و همکاران (۲۰۱۹) (Klasen, Pieters, Silva, & Ngoc Tu, 2019)</p>

<p>- افزایش سطح تحصیلات و کاهش نرخ باروری باعث افزایش میزان مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار شده و افزایش درآمد خانوار نیز تأثیری منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بازار کار دارا می‌باشد.</p>			
<p>- آموزش تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان دارد. - نرخ باروری و بیکاری تأثیر منفی و معنادار بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان دارد. - همچنین نتایج مدل بر وجود فرضیه U شکل بین نرخ مشارکت اقتصادی زنان و رشد اقتصادی دلالت دارد.</p>	<p>روش پانل دیتا</p>	<p>عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان با تأکید بر سرمایه انسانی کشورهای اسلامی در حال توسعه، طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۰)</p>	<p>میلا علمی و روستایی‌شلمانی (۱۳۹۲) (MilaElmi & RoustaeiShalman, 2014)</p>
<p>- متغیرهای لگاریتم تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و نرخ باروری، تأثیر منفی و همچنین متغیرهای لگاریتم مربع تولید ناخالص داخلی، نرخ شهرنشینی، نرخ ثبت نام ناخالص زنان در مدارس ابتدایی، نرخ ثبت نام ناخالص زنان در مدارس متوسطه و نرخ ثبت نام ناخالص زنان در مدارس عالی تأثیر مثبت بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای اسلامی دارند. - بین نرخ مشارکت نیروی کار زنان و توسعه اقتصادی</p>	<p>روش پانل دیتا</p>	<p>بررسی رابطه بین مشارکت زنان در نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، طی دوره، (۲۰۱۳-۱۹۹۰)</p>	<p>علیق‌لی (۱۳۹۵) (Aligholi, 2016)</p>

کشورهای اسلامی یک رابطه غیر خطی و U شکل وجود دارد.			
در آزمون قیود الگوی واحد (UM) براساس اطلاعات خرد زوجین هردو شاغل در خانوار ایرانی، قید تجمیع درآمد غیرکاری در مورد زنان متأهل تأیید نشده، اما برقراری قید تقارن اسلاتسکی در برآورد توابع عرضه ساعات کاری زن و شوهر مورد تأیید است. لذا تأثیر درآمد غیرکاری (متفرقه) تفکیک شده زنان یا به عبارتی دیگر درآمد غیرکاری (متفرقه)، که خود آنان دریافت می‌کنند، بر کاهش ساعات کاری آنان بیش‌تر و قابل ملاحظه‌تر است.	روش گشتاورهای تعمیم‌یافته ^{۳۷}	آزمون الگوی واحد (UM) عرضه کار خانوار	زعفرانچی (۱۳۹۹) (Zafaranchi, 2020)

در پایان نیز می‌توان بیان کرد که وجه تمایز این مطالعه با مطالعات قبلی و به عبارت دیگر نوآوری تحقیق در این می‌باشد که در حیطه جست و جوی محقق، تاکنون در داخل و خارج از کشور، تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان مطالعه نشده است. لازم به ذکر است که در مطالعات جعفری صمیمی و همکاران (۲۰۱۳) و همچنین کریمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به ترتیب اثرات مشارکت زنان در بازار کار بر فساد و اشتغال زنان در بخش عمومی بر فساد مطالعه شده (که در این مطالعات فساد به عنوان متغیر وابسته و به ترتیب نرخ مشارکت زنان و نرخ اشتغال به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است) که با مطالعه پیش‌رو که در آن تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان مطالعه شده است (در مطالعه پیش‌رو، فساد به عنوان متغیر مستقل و نرخ مشارکت زنان به عنوان متغیر وابسته مطالعه شده است) متفاوت می‌باشد.

³⁷ Generalized Method of Moments (GMM).

۴- معرفی مدل و روش پژوهش

براساس مطالعات ارائه شده در بخش پیشینه تحقیق، می‌توان عوامل متعددی را در نظر گرفت که بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان تاثیرگذارند. در این مطالعه، متغیرهای نرخ بیکاری، رشد تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی)، آموزش، نرخ باروری و نرخ شهرنشینی با الهام از مطالعات وارول (۲۰۱۷)، کلارسن و همکاران (۲۰۱۹)، میلاعلمی و روستایی شلمانی (۱۳۹۲) و علیقلی (۱۳۹۵) (و همچنین با توجه به دسترس بودن اطلاعات مربوط به این متغیرها) در مدل تحقیق لحاظ شده‌اند. از این رو در این مطالعه برای بررسی اثرات فساد بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان می‌توان فرم تبعی زیر را در نظر گرفت.

(۱)

$$FLFPR = f(UN, URB, FERT, FEDU, GROWTH, COR)$$

فرم تبعی بالا را می‌توان به شکل معادله رگرسیونی زیر ارائه نمود:

(۲)

$$FLPR_{it} = \alpha_i + \beta_1 UN_{it} + \beta_2 URB_{it} + \beta_3 FERT_{it} + \beta_4 FEDU_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 COR_{it} + U_t$$

که در آن:

$FLFPR_{it}$ نرخ مشارکت نیروی کار زنان، $Unit$ نرخ بیکاری، URB_{it} نرخ شهرنشینی، $FERT_{it}$ نرخ باروری، $FEDU_{it}$ نرخ آموزش زنان (نرخ باسوادی زنان) و $GROWTH_{it}$ نرخ رشد اقتصادی کشور i در زمان t می‌باشد. U_{it} نیز جمله اخلاص رگرسیون می‌باشد. در این مطالعه COR_{it} متغیر فساد بوده و با شاخص ادراک فساد موسسه بین‌المللی شفافیت سنجیده می‌شود. شایان ذکر است تمامی متغیرهای لحاظ شده در مدل رگرسیونی تحقیق در بخش مبانی نظری و مطالعات تجربی تحقیق آورده شده و تاثیر تئوریک هر یک از متغیرها بر نرخ مشارکت زنان نیز بحث شده است.

در این تحقیق نمونه مورد مطالعه شامل ایران و ۱۲ کشور منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی^{۳۸} (که عمدتاً کشورهای منطقه نیز در آن قرار دارند) می‌باشد. این کشورها عبارتند از: پاکستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه، مصر، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، عمان، اردن، قطر، مراکش و عراق. داده‌های مربوط به این کشورها در بازه

³⁸ Organisation of Islamic Cooperation.

زمانی ۲۰۱۸-۲۰۰۵ از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی و سازمان بین‌المللی شفافیت استخراج می‌گردند. لازم به ذکر است با توجه به در دسترس بودن اطلاعات مربوط به کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی و همچنین شباهت این کشورها از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی به همدیگر (از جمله وجه شباهت این کشورها می‌توان به اسلامی بودن و همچنین در حال توسعه بودن این کشورها اشاره نمود)، در نتیجه این کشورها برای مطالعه انتخاب شده‌اند.

۵- یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد در مطالعات تجربی قبلی (که در بخش پیشینه تحقیق نیز به آن‌ها اشاره گردید) موضوع تاثیرگذاری نرخ مشارکت نیروی کار زنان بر فساد بررسی شده است. از این‌رو در پژوهش پیش‌رو، برخلاف این مطالعات، تاثیر فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان مورد بررسی قرار گرفته است، لذا انجام آزمون علیت بین متغیرهای فساد و نرخ مشارکت اقتصادی زنان ضرورت پیدا می‌کند. در این راستا می‌توان از آزمون علیت گرنجر^{۳۹} استفاده نمود. آزمون علیت گرنجر نوعی آزمون خود رگرسیون برداری دو متغیره است که به بررسی وجود یا عدم وجود وقفه‌های یک متغیر در معادله متغیر دیگر می‌پردازد. به این صورت که، اگر و تنها اگر تمامی ضرایب با وقفه در معادله برابر صفر باشند، علیت گرنجری وجود ندارد. در این پژوهش، از آزمون علیت گرنجر برای بررسی رابطه علی بین متغیر فساد و نرخ مشارکت زنان استفاده شده و نتایج آن در جدول ۲ گزارش شده است. براساس این نتایج، رابطه علی دوسویه بین متغیر فساد و نرخ مشارکت زنان وجود دارد.

³⁹ Granger

جدول ۲. نتایج آزمون علیت گرنجر
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 2. Granger Causality Test Results

Source: Research calculations

Prob	F آماره	تعداد مشاهدات	فرضیه صفر
*%۰۰	۵/۰۸	۱۷۶	COR علیت گرنجری FLFPR نیست
*%۰۱	۴/۱۴	۱۷۶	FLFPR علیت گرنجری COR نیست

*: عدم پذیرش فرضیه صفر در سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد.

با توجه به وجود رابطه علی دو طرفه بین متغیر فساد و نرخ مشارکت نیروی کار زنان، در این پژوهش از سیستم معادلات همزمان برای برآورد مدل استفاده می‌گردد که به قرار زیر می‌باشند:

(۳)

$$FLFPR_{it} = \alpha_i + \beta_1 UN_{it} + \beta_2 URB_{it} + \beta_3 FERT_{it} + \beta_4 FEDU_{it} + \beta_5 GROWTH_{it} + \beta_6 COR_{it} + U_{it}$$

(۴)

$$COR_{it} = \alpha_i + \beta_7 FLFPR_{it} + \beta_8 W_{it} + \beta_9 PGDP_{it} + \beta_{10} REG_{it} + V_{it}$$

که در آن:

W نرخ دستمزد سرانه، $PGDP$ تولید ناخالص داخلی سرانه و REG کیفیت قانون‌گذاری^{۴۰} می‌باشد. شایان ذکر است داده‌های مربوط به دستمزد سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شده و متغیر کیفیت قانون‌گذاری با استفاده از شاخص کافمن و همکاران^{۴۱} محاسبه می‌گردد.

⁴⁰ Regulatory Quality.

⁴¹ Kaufmann et al.

قبل از برآورد مدل، مانا بودن متغیرهای مدل بررسی می‌گردد. برای این کار از آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته^{۴۲} استفاده می‌گردد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده و براساس این نتایج در سطح معناداری پنج درصد، تمامی متغیرها در سطح مانا می‌باشند. به بیان ساده‌تر با توجه به این که Prob به دست آمده از آزمون برای هر یک از متغیرها کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد (نامانایی) متغیرها رد شده و در نتیجه مانایی متغیرها پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 3. Unit Root Test Results

Source: Research calculations

نتیجه	Prob	سطح متغیر	متغیر
I(۰)	۰/۰۰*	۵۳/۵	FLFPR
I(۰)	۰/۰۰*	۵۲/۱	UN
I(۰)	۰/۰۰*	۴۹/۶	URB
I(۰)	۰/۰۱*	۴۵/۵	FERT
I(۰)	۰/۰۰*	۴۸/۲	FEDU
I(۰)	۰/۰۳*	۴۱/۷	GROWTH
I(۰)	۰/۰۲*	۴۳/۸	COR
I(۰)	۰/۰۰*	۵۰/۱	PGDP
I(۰)	۰/۰۲*	۴۳/۳	W
I(۰)	۰/۰۰*	۴۸/۴	REG

*: نشان‌دهنده مانا بودن متغیرها در سطح معنی‌داری ۵ درصد می‌باشد..

از این رو با داشتن اطمینان نسبت به مانا بودن متغیرهای مدل، سیستم معادلات همزمان با روش گشتاورهای تعمیم یافته^{۴۳} برآورد شده و نتایج آن در جدول ۴ ارائه می‌شود.

⁴² ADF test Statistic.

⁴³ Generalized Method of Moments.

جدول ۴. نتایج برآورد سیستم معادلات
مأخذ: محاسبات تحقیق

Table 4. Equation System Estimation Results

Source: Research calculations

متغیر	مدل اول (متغیر وابسته: نرخ مشارکت نیروی کار زنان)	مدل دوم (متغیر وابسته: فساد)
C	۰/۶۵ (۱/۲۸)	۰/۱۱ (۰/۶۴)
UN	-۰/۲۶ (-۲/۸۹) *	-
URB	۰/۲۱ (۰/۸۶)	-
FERT	-۰/۱۲ (-۲/۲۵) *	-
FEDU	۰/۴۲ (۲/۶۸) *	-
GROWTH	۰/۲۳ (۲/۰۹) *	-
COR	۰/۱۸ (۲/۸۲) *	-
FLFPR	-	۰/۱۲ (۲/۴۲) *
PGDP	-	۰/۱۸ (۱/۹۸)
W	-	۰/۲۸ (۲/۵۶) *
REG	-	۰/۱۴ (۲/۲۳) *
R2	۰/۶۹	۰/۷۴
DW	۱/۸۷	۱/۹۲

*: اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t بوده و معنادار بودن ضرایب در سطح معناداری ۵ درصد را نشان می‌دهند.

براساس نتایج برآورد مدل (جدول ۴)، شاخص ادراک فساد تاثیر مثبت بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب داشته و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار است. از آنجا که بالا بودن شاخص ادراک فساد، نشان دهنده پایین بودن سطح فساد در اقتصاد می‌باشد، لذا هر اندازه شاخص ادراک فساد بیشتر باشد (سطح فساد کمتر)، نرخ مشارکت نیروی کار زنان نیز بیشتر خواهد بود. به عبارت دیگر، فساد با تاثیر منفی بر رشد اقتصادی و منحرف کردن مخارج دولت به اهداف غیرتولیدی و غیرمولد، نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب را کاهش داده است. به عبارتی فساد با ایجاد تاثیری منفی بر رشد اقتصادی، کاهش کارآیی اقتصادی، ایجاد فضای ناطمینانی، کاهش سطح تولید و همچنین گسترش فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد توانسته است در دوره زمانی مورد مطالعه، سطح نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای مدنظر را کاهش دهد. این نتایج با یافته‌های مطالعه کورای و دژیماشف (۲۰۱۸) مطابقت دارد. تاثیر نرخ بیکاری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب منفی بوده و در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. زیرا بالا بودن نرخ بیکاری نشانه‌ای از بیماری کل اقتصاد می‌باشد. بیکاری یا کم به کار گرفته شدن زنان باعث می‌شود که آن‌ها قادر به مشارکت موثر در توسعه ملی نباشند و فرصت‌های کمتری برای احقاق حقوق شهروندی خود بیابند. به عبارت دیگر بیکاری با افزایش هزینه جست‌وجوی شغل و دشوار کردن یافتن شغل در بازار کار، باعث کاهش نرخ مشارکت نیروی کار زنان می‌شود. منفی بودن تاثیر نرخ بیکاری بر نرخ مشارکت زنان در این مطالعه، با نتایج مطالعه میلا علمی و روستایی‌شلمانی (۱۳۹۲) و علیقلی (۱۳۹۵) مطابقت دارد. متغیر نسبت شهرنشینی تاثیر مثبت بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان داشته، اما این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. این نتایج با یافته‌های مطالعه خادم و اکرم (۲۰۱۳) متفاوت است. تاثیر نرخ باروری زنان بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب منفی بوده و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، بالا بودن نرخ باروری در کشورهای مورد مطالعه، توانایی زنان برای عرضه نیروی کار و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را محدود کرده و در نتیجه نرخ مشارکت نیروی کار زنان را کاهش می‌دهد. این نتایج با یافته‌های مطالعه میلا علمی و روستایی شلمان (۱۳۹۲) و کلاسن و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد. تاثیر رشد اقتصادی بر

نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب نیز مثبت بوده و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. زیرا بالا بودن رشد اقتصادی (افزایش تولید ناخالص ملی) با افزایش رشد عوامل تولید (افزایش تولید) و در نتیجه افزایش فرصت‌های کاری ناشی از آن بستر مناسبی را برای کاهش نرخ بیکاری و در نتیجه افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان فراهم می‌کند. به عبارت دیگر رشد اقتصادی به همراه خود ارزش افزوده تمام بخش‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و این امر نیز به دنبال خود سطح اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان را افزایش می‌دهد. این موضوع با نتایج مطالعات وارول (۲۰۱۷) و سرانو و همکاران (۲۰۱۹) مشابهت دارد. همچنین تاثیر آموزش زنان بر مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب نیز مثبت بوده و در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار است. زیرا هر اندازه سطح آموزش و تحصیلات افراد بیشتر باشد، تمایل افراد برای عرضه نیروی کار و مشارکت اقتصادی افزایش می‌یابد. همانند این مطالعه، تاثیر مثبت آموزش بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در مطالعات خادم و اکرم (۲۰۱۳)، وارول (۲۰۱۷) و کلاس و همکاران (۲۰۱۹) نیز تایید شده است. در مدل برآوردی شماره ۱، ضریب تعیین رگرسیون (R^2) ۰/۶۹ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل از قدرت توضیح‌دهندگی خوبی برخوردار است. آماره دوربین واتسون (DW) مدل نیز ۱/۸۷ می‌باشد که نزدیک به عدد ۲ بوده و بیانگر این است که در جملات اخلال خودهمبستگی وجود ندارد.

در مدل رگرسیونی دوم، نرخ مشارکت نیروی کار زنان بر شاخص ادراک فساد تاثیر مثبت داشته و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر با افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان، میزان شاخص ادراک فساد نیز افزایش می‌یابد (یعنی سطح فساد کاهش می‌یابد). این نتایج با یافته‌های میخالووا و ملنیکوشکا (۲۰۰۹)، ریواس (۲۰۱۳)، جعفری صمیمی و همکاران (۲۰۱۳) و کریمی و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد. تاثیر سطح دستمزد سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه بر شاخص ادراک فساد مثبت می‌باشد. از این رو، هر اندازه سطح دستمزد سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه بیشتر باشد، شاخص ادراک فساد نیز بیشتر (سطح فساد کمتر) خواهد بود. در سطح معناداری ۵ درصد، تاثیر متغیر کیفیت قانون‌گذاری نیز بر شاخص ادراک فساد مثبت و معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر، هر اندازه کیفیت قانون‌گذاری به عنوان یکی از بسترهای لازم برای رشد اقتصادی و مبارزه با فساد، بیشتر باشد، شاخص ادراک فساد نیز بیشتر (سطح فساد کمتر) خواهد بود. که این نتیجه نیز با یافته‌های مطالعه کریمی و همکاران

(۱۳۹۶) مطابقت دارد. در رگرسیون برآوردی دوم نیز ضریب تعیین رگرسیون $(R^2) = 0/74$ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل از قدرت توضیح‌دهندگی خوبی برخوردار است. آماره دوربین واتسون (DW) مدل نیز $1/92$ می‌باشد که نزدیک به عدد ۲ بوده و بیانگر این است که در جملات اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قشر زنان، تقریباً نیمی از جمعیت در سنین کار هر کشور را تشکیل می‌دهند. مشارکت بالای زنان در نیروی کار می‌تواند از طریق افزایش دادن عرضه نیروی کار، سبب افزایش رشد اقتصادی کشورها شود. از این رو، افزایش سهم زنان در نیروی کار به یکی از مسائل کلیدی در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده است. براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی صورت گرفته، نرخ مشارکت نیروی کار زنان تابع مولفه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و سیاست‌گذاری در راستای افزایش این شاخص زمانی موفق خواهد بود که بتوان از این مولفه‌ها و نوع تاثیرات آنها آگاه شد. می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مولفه‌های تاثیرگذار بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، متغیر فساد می‌باشد. فساد می‌تواند از طریق کاهش رشد اقتصادی و تغییر سهم عرضه نیروی کار در بخش‌های رسمی و غیررسمی اقتصاد بر نرخ مشارکت نیروی کار تاثیرگذار باشد. از این رو در این تحقیق، با استفاده از سیستم معادلات همزمان، تاثیر شاخص فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی مطالعه شده است.

نتایج برآورد مدل نشان می‌دهند که فساد و نرخ بیکاری تاثیر منفی بر مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب داشته و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر فساد با تاثیر منفی بر رشد اقتصادی و منحرف کردن مخارج دولت به اهداف غیرمولد، مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب را کاهش داده است. به عبارتی فساد با ایجاد تاثیر منفی بر رشد اقتصادی، کاهش کارایی اقتصادی، ایجاد فضای نااطمینانی، کاهش سطح تولید و همچنین گسترش فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد توانسته است در دوره زمانی مورد مطالعه، سطح نرخ مشارکت نیروی کار زنان در کشورهای مدنظر را کاهش دهد. بیکاری نیز با افزایش هزینه جست‌وجوی شغل و دشوار کردن یافتن شغل در بازار کار، باعث کاهش نرخ مشارکت نیروی کار زنان

در کشورهای مورد مطالعه شده است. در سطح معناداری ۵ درصد، متغیرهای نسبت شهرنشینی و رشد اقتصادی نیز تاثیر مثبت بر مشارکت نیروی کار زنان داشته اما این تاثیر در مورد متغیر نرخ شهرنشینی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. به عبارت دیگر، بالا بودن رشد اقتصادی (بالا بودن تولید ناخالص ملی) با افزایش رشد عوامل تولید (افزایش تولید) و در نتیجه افزایش فرصت‌های کاری ناشی از آن بستر مناسبی را برای کاهش نرخ بیکاری و در نتیجه افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان فراهم می‌کند. همچنین بالا بودن رشد اقتصادی فرصت‌های شغلی را در تمامی بخش‌های اقتصادی برای مردان و زنان افزایش می‌دهد. تاثیر نرخ باروری بر مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب منفی بوده و این تاثیر در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار می‌باشد. همچنین تاثیر آموزش بر مشارکت نیروی کار زنان در ایران و کشورهای منتخب نیز مثبت بوده و در سطح معناداری ۵ درصد به لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی، هر اندازه سطح آموزش و تحصیلات افراد بیشتر باشد، تمایل افراد برای عرضه نیروی کار و مشارکت اقتصادی افزایش پیدا می‌کند.

در مدل برآوردی دوم نیز تاثیر نرخ مشارکت نیروی کار زنان بر شاخص ادراک فساد برآورد شده است. براساس نتایج این برآورد، هر اندازه نرخ مشارکت نیروی کار زنان بیشتر باشد، میزان شاخص ادراک فساد بیشتر (سطح فساد کمتر) خواهد بود. همچنین تاثیر سطح دستمزد سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه بر شاخص ادراک فساد مثبت می‌باشد. به عبارت دیگر، هر اندازه سطح دستمزد سرانه و تولید ناخالص داخلی سرانه بیشتر باشد، شاخص ادراک فساد نیز بیشتر (سطح فساد کمتر) خواهد بود. کیفیت قانون‌گذاری نیز بر شاخص ادراک فساد تاثیر مثبت و معنادار داشته و به عبارتی هر اندازه کیفیت قانون‌گذاری بالاتر باشد، شاخص ادراک فساد بیشتر (سطح فساد کمتر) خواهد بود.

در پایان و با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد:

- با عنایت به تاثیر منفی فساد بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، پیشنهاد می‌گردد تا با اجرای سیاست‌هایی نظیر توسعه دولت الکترونیک، کاهش حجم دولت، بهبود فرهنگ و سطح اخلاق عمومی جامعه با ترویج تقبیح فساد و رشوه، جلوگیری از نفوذ دولت در دستگاه‌های نظارتی و بازرسی، حذف دستورالعمل‌ها و مقررات زاید که امکان سوءاستفاده و فساد را افزایش می‌دهند، اصلاح فرهنگ سازمانی،

- گسترش جریان آزاد اطلاعات و تشویق مردم به گزارش فساد، برقراری ثبات در قوانین کسب و کار، اعمال قوانین و مقررات پیشگیرانه و همچنین مقابله جدی و قاطع با مفاسد اقتصادی، سطح فساد در کشور کنترل شده و نتیجتاً با کنترل (کاهش) فساد، نرخ مشارکت نیروی کار زنان افزایش یابد.
- با توجه به تاثیر منفی بیکاری بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، کنترل نرخ بیکاری و کاهش آن برای افزایش نرخ مشارکت نیروی کار زنان پیشنهاد می‌گردد، لذا دولت بایستی به عنوان کارفرمای بزرگ در اقتصاد کشورهای منتخب، نقش پررنگ‌تری در افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فعالیت‌های اشتغال‌زا و بهبود محیط کسب و کار ایفا نماید.
 - با توجه به تاثیر مثبت نرخ شهرنشینی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، این نتیجه دلالت بر این دارد که امکانات کاری مناسب‌تری در شهرها تمرکز داشته و یافتن شغل و لذا مشارکت اقتصادی در شهرها و در مقایسه با روستاها محتمل‌تر می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد که دولت با اجرای سیاست‌هایی، پدیده مهاجرت به شهرها را کنترل کرده و با ایجاد فضاهای اقتصادی مناسب و همچنین حمایت از روستاییان برای ایجاد کسب و کار در روستاها، ضمن کنترل پدیده مهاجرت، سطح مشارکت نیروی کار زنان در روستاها را نیز ارتقا دهد.
 - براساس نتایج به دست آمده، نرخ باروری تاثیر منفی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان دارا می‌باشد. با عنایت به اهمیت بحث نرخ باروری و تاثیر آن بر جمعیت کشور، دولت بایستی ضمن توجه به این مساله، با سیاست‌های ارشادی، نرخ باروری را در حد بهینه کنترل نماید.
 - با عنایت به تاثیر مثبت رشد اقتصادی بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، دولت بایستی با اجرای سیاست‌های اقتصادی موثر و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، ضمن فراهم نمودن بستر لازم برای رشد عوامل تولید (افزایش تولید) و نتیجتاً افزایش فرصت‌های شغلی مناسب (افزایش اشتغال) در بخش‌های مختلف اقتصادی، فضا را برای فعالیت زنان در اقتصاد بیش از پیش مهیا نماید.
 - با توجه به تاثیر مثبت آموزش بر نرخ مشارکت نیروی کار زنان، توجه بیش از پیش به آموزش زنان از قبیل: آموزش آکادمیک، فنی و حرفه‌ای و کاربردی به خصوص

در مناطق روستایی و همچنین در مقاطع متوسطه و بالاتر، که توانایی نیروی کار زنان برای ورود به بازار کار را افزایش می‌دهد، پیشنهاد می‌گردد.

Acknowledgments: All individuals and institutions that assisted the authors in conducting this research are acknowledged.

Conflict of Interest: The authors declare no conflict of interest.

Funding: The authors have not received any financial support for the research, authorship and publication of this article.

Reference

- Agerberg, M. (2014). Perspectives on Gender and Corruption. Gender differences in regard to corruption in Europe from an individual and institutional perspective. Department of Political Science, University of Gothenburg, *Working Paper*, Series 2014(14).
- Akçay, S. (2006). Corruption and human development. *Cato Journal*, 26(1), 29- 46.
- Aligholi, M. (2016). The Relationship Between Women's Participation in the Workforce and Economic Development in Islamic Countries. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(2), 63-86. https://jwsp.s.alzahra.ac.ir/article_2488.html (in Perison)
- Amarandei, C. M. (2013). Corruption and foreign direct investment: evidence from central and eastern European states. *Journal of CES working Paper*, 5(3), 311-322.
- Becker, G.S. (1975). *Human Capital*, University of Chicago Press, Chicago, IL.
- Breen, M., Gillanders, R., McNulty, G., & Suzuki, A. (2015). Gender and Corruption in business. Helsinki Center of Economic Research, Discussion Papers, 391.
- Brenke, K. (2014). Growing importance of women in the German labor market. *DIW Economic Bulletin*, 5(5), 51-61.
- Bustelo, M., Flabbi, L., Piras, C., & Tejada, M. (2019). Female labor force participation, labor market dynamic, and growth. *IDB Working Paper Series*, No. 966. Inter-American Development Bank.

- Che, G. N., & Sundjo, F. (2018). Determinants of Female Labour Force Participation in Cameroon. *International Journal of Applied Economics, Finance and Accounting*, 3(2), 88-103.
- Cooray, A., & Dzhumashev, R. (2018). The effect of corruption on labour market outcomes. *Economic Modelling*, 74, 207-218.
- Debski, M., Jetter, S., & Mosle, D. (2018). Gender and corruption: The neglected role of culture. *European Journal of Political Economy*, 55(c), 526-537.
- Dollar, D., Fisman, R. & Gatti, R. (2001). Are Woman Really the “Fairer” Sex? Corruption and Women in Government. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 26(4), 423- 429.
- Ehrenberg, R. G., & Smith, R.S. (2012). *Modern Labor Economics: Theory and Public Policy*. Published by, Prentice Hall (11th Ed).
- Faridi, M. Z., Chaudhry, I. S., & Anwar, M. (2009). The socio-economic and demographic determinants of women work participation in Pakistan: evidence from Bahawalpur District.
- Fatima, A., & Sultana, H. (2009). Tracing out the U-shape relationship between female labor force participation rate and economic development for Pakistan. *International Journal of Social Economics*, 36(1/2), 182-189.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (1998). Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?, *IMF Working Paper* © 1998 *International Monetary Fund*, International Monetary Fund Fiscal Affairs Department, <https://www.researchgate.net/publication/24054187>.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Tiongson, E. (2000). Corruption and the Provision of Health Care and Education Services, *International Monetary Fund Working Paper* 00/116.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Tiongson, E. R. (2001). Corruption and the provision of health-care and education service, In: A. K. Jain, Hrsg, *The Political Economy of Corruption*, London: Routledge, 6, 11-141.
- Heidari, H., Alinazhad, R., Mohseni Zonozi, S., & Jahangirzadeh, J. (2014). An Investigation of Corruption and Economic Growth Nexus: Some Evidence from D-8 Countries. *Economics Research*, 14(55), 157-183. https://joer.atu.ac.ir/article_926.html (in Perison) <https://data.worldbank.org/>.

- International Labour Office. (2016). Women at Work: Trends 2016, Geneva: ILO.
- Jafari Samimi , A., Monfared, M., & Hoseni, M. (2013). Women`s Participation Rate in Labor Market and Corruption. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 14(6), 867-872.
- Jha, K., & Sarangi, S. (2018). Women and corruption: What positions must they hold to make a difference?. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 151(c), 219-233.
- Karimi Petanlar, S., Babazadeh, M., & Hamidi, N. (2012). The Effect of Fiscal Corruption on the Composition of Government Expenditures: A Case Study of Selected Developing Countries. *Economics Research*, 12(46), 141-156. https://joer.atu.ac.ir/article_945.html (in Perison)
- Karimi, S., Gilak Hakim Abadi, M., & Nabati, Z. (2018). Financial Corruption and Women Employment in Selected Countries. *Women Studies*, 8(22), 65-81. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2996.html (in Perison)
- Khadim, Z., & Akram, W. (2013). Female labour force participation in the formal sector: An empirical analysis from PSLM (2007-2008). *Middle East Journal of Scientific Research*, 14(11), 1480- 1488.
- Khodapanah (2015). Estimate the index of Corruption in Iran Using Fuzzy Logic and Investigation of its Relationship with the Underground Economy using Hsiao causality test. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 12(3), 1-25. https://jqe.scu.ac.ir/article_11891.html (in Perison)
- Klasen, S., Pieters, J., Silva, M.S., & Ngoc Tu, L. T. (2019). What Drives Female Labor Force Participation? Comparable Micro-Level Evidence from Eight Developing and Emerging Economies. IZA Discussion Paper. No. 12067.
- Komaee, R., & Afshari, Z. (2017). The Determinants of Female Labor Force Participation in Selected Countries (A Panel Data Analysis). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 15(1), 49-77. https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_2846.html (in Perison)
- Lim, K. Y. (2019). Modelling the dynamics of corruption and unemployment with heterogeneous labour. *Economic Modelling*, 79(c), 98-117.
- Lincove, J. A. (2008). Growth, Girls' Education, and Female Labor: A Longitudinal Analysis. *The Journal of Developing Areas*, 41(2), 45-68.

- Mauro, P. (1998). Corruption and the composition of government expenditure, *Journal of Public Economics*, 69(2), 263-279.
- MilaElmi, Z., & RoustaeiShalman, KH. (2014). Study of Effective Factors on Female Participation Rate in the Eight Developing Countries Group. *Skill Training*, 2(6) :87-102. <http://faslnameh.irantvto.ir/article-۱۹۵-۱-fa.html> (in Perison)
- Mincer, J. (1962). Labor Force Participation of Married Women: A Study of Labor Supply. Aspects of Labor Economics: A Conference. Cambridge, Mass: National Bureau of Economic Research.
- Mishalova, J., & Melnykovshka, I. (2009). Gender, Corruption and Sustainable Growth in Transition Countries. *Journal of Applied Economic Science*, 4(3), 1-26.
- Moshiri, S., Tae, H., & Pashazadeh, H. (2015). Labour Force Participation in Iran the Role of Education and Gender. *Quarterly Journal of Economic Research*, 15(2) :49-72. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-11700-fa.html> (in Perison)
- Mujahid, N. (2014). Determinants of female labour force participation: A micro analysis of Pakistan. *International Journal of Economics and Empirical Research*, 2(95), 211-220.
- Psacharopoulos, G., & Tzannatos, Z. (1989) Female Labor Force Participation: An International Perspective. *World Bank Research Observer*, 4(2), 187-201.
- Rivas, M. F. (2013). An Experiment on Corruption and Gender. *Bulletin of Economic Research*, 65(1), 10-42.
- Schultz, T.W. (1961). Investment in human capital, Published by, American Economic Association.
- Seifzadeh, A. (2016). Investigating Citizens' Perception of Corruption and Demographic Variables Affecting It (Case Study: Birjand). *Khorasan Socio-Cultural Studies*, 10(4), 93-114. https://www.farhangekhorasan.ir/article_40831.html (in Perison)
- Serrano, J., Gasparini, L., Marchionni, M., & Glüzmann, P. (2019). Economic cycle and deceleration of female labor force participation in Latin America. *Journal for Labour Market Research*, 53(13), 1- 21.
- Shaghghi Shahri, V., Rasooli, S., & Tayari, M. (2016). Assessing the deterrent effects of financial corruption on attracting foreign direct investment in the field of Islamic Conference member countries.

- Strategic and macro policies*, 4(14), 67-90.
https://www.jmsp.ir/article_23958.html (in Perison)
- Sinha, J. N. (1967). Dynamics of female participation in economic activity in a developing economy. In World Population Conference, Belgrade.
- Transparency International. (2018). Corruption Perceptions Index, <http://www.transparency.org/cpi2014/results>.
- Tsani, S., Paroussos, L., Fragiadakis, C., Charalambidis, I., & Capros, P. (2013). Female labour force participation and economic growth in the South Mediterranean countries. *Economics Letters*, 120(2), 323-328.
- Varol, F. (2017). The Determinants of Labor Force Participation of Women In Turkey: A Binary Logit Analysis. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(2), 92-108.
- World Bank. (2010). Labor force participation rate, total, <https://data.worldbank.org/>.
- World Bank. (2019). Labor force participation rate, total, <https://data.worldbank.org/>.
- World Bank. (2020). Labor force participation rate, total, <https://data.worldbank.org/>.
- Zafaranchi, L. (2020). Testing the "Unitary Model" of household labor supply. *Quarterly Journal of Quantitative Economics (JQE)*, 17(4), 61-87. https://jqe.scu.ac.ir/article_14859.html (in Perison)

